

ضرغامی خبر داد؛

تصویب تاسیس مرکز بین المللی صنایع دستی و گردشگری در اصفهان

وزیر میراث فرهنگی و گردشگری گفت: در نشست منطقه‌ای سازمان گردشگری جهانی در فیلیپین تاسیس مرکز بین المللی صنایع دستی



و گردشگری در اصفهان به تصویب رسید. حدود ۱۰ سال بود که این بحث جریان داشت. رقابتی جدی هم بودند برای اینکه این مرکز را در کشور خودشان تاسیس کنند. به گزارش ایلنا، عزت‌الله ضرغامی در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران، یادآور شد: این مرکز تقاطع صنایع دستی و گردشگری است. یعنی سازمان گردشگری جهانی به این نتیجه رسیده است که از موقعیت صنایع دستی و اهمیتش در تقویت گردشگری جهانی استفاده شود. این مرکز برای خود سازمان گردشگری جهانی کار بسیار مهمی است اولین بار است که مجموعه‌ای تحت این عنوان تاسیس می‌شود و این کار بزرگ در اصفهان به انجام می‌رسد. به گفته‌ی وی، در اصفهان یک مرکز بزرگ بین‌المللی صنایع دستی در آینده افتتاح خواهد شد. صنایع دستی از همه جای دنیا به این منطقه خواهد آمد و یک مرکز ارتباطات بین‌المللی خواهد شد.

ویزای ایران برای سفر شهروندان تاجیکستان لغو می‌شود

تصویب نامه هیأت وزیران با موضوع لغو وارید برای دارندگان گذرنامه عادی ایران و تاجیکستان ابلاغ شد. به گزارش باشگاه



خبرنگاران جوان، بر اساس این تصویب نامه که در جلسه ۱۴۰۲/۲/۲۳ تصویب شده بود، وزارت امور خارجه مجاز است نسبت به برقراری مقررات لغو وارید برای دارندگان گذرنامه عادی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری تاجیکستان با رعایت (۳۰) روز اقامت در طول هر دوره (۹۰) روز از لحظه اولین ورود صرفاً در سفرهای هوایی از مبدأ دوشنبه به مقصد تهران و به شرط عمل متقابل اقدام کند.

برگزاری رویداد معرفی ظرفیت‌های گردشگری ایران در مالزی

صبح دیروز رویداد معرفی ظرفیت‌های گردشگری ایران با Road Show یا کوآلامیور مالزی با حضور بیش از ۱۰۰ شرکت بخش خصوصی گردشگری این کشور برگزار شد و ضمن سخنرانی مقامات ارشد حوزه گردشگری دو کشور، فعالان بخش خصوصی در قالب نشست‌های B2B با یکدیگر دیدار و گفتگو کردند. به گزارش روابط عمومی معاونت گردشگری وزارت میراث فرهنگی، در این رویداد هماهنگی از سفر اخیر اینفلوئنسرهای مالزی که به دعوت وزارت گردشگری ایران انجام شده بود برای مخاطبان مالزیایی به نمایش در آمد و در بخشی دیگر ظرفیت‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی کشورمان در قالب تصاویر و عکس منتشر شد. همچنین در ادامه فعالان دولتی و خصوصی مالزیایی ضمن دریافت اقلام تبلیغاتی گردشگری جمهوری اسلامی ایران، با کشورمان از زوایای مختلف آشنا شدند تا بتوانند در تبادلات و نشست‌های مشترک مورد بهره‌برداری لازم قرار دهند.

فیلم کوتاه «کین» به جشنواره ایسکیا ایتالیا راه یافت

فیلم کوتاه «کین» به کارگردانی علی طیبی به بیست و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم ایسکیا در کشور ایتالیا راه یافت. به



گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، جشنواره جهانی فیلم ایسکیا ISCHIA در سال ۲۰۰۳ تاسیس و با نمایش فیلم‌های ایتالیایی و بین‌المللی، به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین مراسم تابستانی فیلم در جهان شناخته شده است. این رویداد علاوه بر نمایش فیلم، شاهد برگزاری جلسات، مراسم و نشست‌هایی با موضوعات مرتبط سینما با حضور فیلم‌سازان، عوامل و مدیران این صنعت و خبرنگاران در جزیره ایسکیا خواهد بود. بیست و دومین دوره‌های ایسکیا از ۲۷ تا ۱۴ جولای ۲۰۲۴ (۱۷ تا ۲۴ تیرماه ۱۴۰۳) در جزیره ایسکیا ایتالیا برگزار خواهد شد. در خلاصه داستان فیلم «کین» آمده است: «بعد از فوت پدر، فرزندان بر سر مالی که پدر به ارث گذاشته است، مقابل هم قرار می‌گیرند و...» الهه لاری، علی طیبی و مجید کشاورز در این فیلم کوتاه به ایفای نقش پرداخته و پخش بین الملل اثر بر عهده کمپانی سینما، امامه مدیریت نشاط باقری است.

درباره نمایش‌های «هاله» و «خیابانخانه»

تئاتر اضطراب و اضطراب



عکس: رضا خاوری

می‌پردازیم؛ از نسل جوان که نشانه‌هایی داردمهم از برای مخاطبان همیشگی تئاتر.

نمایش اول - هاله

بهنام رضایی در مقام نویسنده و کارگردان در نمایش «هاله» فضایی شاعرانه ساخته و تلاش کرده، حضور زنانه یک فارغ‌التحصیل رفته نمایش را تعیین مادی بخشد. شخصیت هاله با بازی الهام سلامت، دختری است امروزی که از شهری کوچک به تهران آمده و بعد از پایان تحصیلات، میل آن دارد که از طریق هنر نمایش و بخصوص نقالی، برای خودش یک موقعیت حرفه‌ای ایجاد کند. مراجعه به یک قهوه‌خانه بین راهی جاده ساهو و تقاضا برای جای خواب در ازای کار این امکان را برای این دختر جوان فراهم می‌کند که به‌میلجی نقالی کردن برای مشتریان تعلیق موقتی است. این مسئله به التهابات سیاسی و مباحث معیشتی مربوط بوده و شاید به زودی بر طرف نشود. اما نکته امیدبخش ماجرا بی شک حضور جوانان تازه نفس و بازگشت عده‌ای از با تاجر به‌ها به صحنه‌ها است. رویدادی که فضایی تازه را بشمارت می‌دهد و مقدمه گشودگی به‌ناشناخته‌ها است. این هفته و بنابر تجربه این چندماه، به دواجرا

شده و فضاهای ذهنی و سوسوژن کتیو نمایش را برمی‌سازند.

بهنام رضایی با دست گذاشتن بر موضوع بحث برانگیزی چون حضور زنانه و آسیب‌هایی که این حضور در مواجهه با مردسالاری موجود ایجاد می‌کند، توانسته نقی بزند به مناسبات پیدا و پنهان جامعه. اما به نظر می‌آید این موضوع حساس، آن چنان که باید نتوانسته به شکل آشکار روایت شود. بنابر این اجرا به‌یتم به‌سوی صحنه‌هایی نه‌چندان واقعی و استفاده از تعداد بالای بازیگران فرعی که حرکات موزون دارند، تلاش دارد حرف خود را با نوعی حضور جمعی اجراگران بیان کند. نتیجه این رویکرد اجرایی بر ساخته شدن یک فضای هیبریدی است که گاهی جذاب و گاهی دکوراتیو می‌نماید. از یاد نبریم که در این سال‌ها چه بسیار اجراهایی بودند که به این فضای چندوجهی و التقاتلی تن داده و علیه رئالیسم صحنه‌ای وارد عمل شدند. نمایش هاله را هم می‌توان ذیل این ماجرا ادراک کرد و در باب موفقیت یا ناکامی اش به قضاوت نشست. به دیگر سخن در طول اجرا با صحنه‌هایی بسیار کوتاه و روبرو هستیم که می‌توانست طولانی‌تر و رئالیستی باشد و مواجهه هاله با دیگران را معنایی دیگر بخشد. فی‌المثل دیالوگ‌هایی که هاله در



محمدحسین خدایی

فصل تابستان است و گرمای سوزان تیر ماه همه جا را در بر گرفته. این روزها تئاتر تحت تاثیر فضای انتخابات ریاست جمهوری است و شاید رونق مد نظر گروه‌های اجرایی را نداشته باشد. با آن که تعطیلات تابستانی شروع شده و باید استقبال از اجراهای صحنه‌ای بیشتر باشد اما مشاهده می‌شود که بسیاری از گروه‌های اجرایی، چندان که باید نتوانسته‌اند نظر مخاطبان همیشگی تئاتر را به خود جلب کنند.

به هر حال تئاتر این روزها وضعیت کمابیش عجیب و غریبی به خود گرفته و گویی در یک تعلیق موقتی است. این مسئله به التهابات سیاسی و مباحث معیشتی مربوط بوده و شاید به زودی بر طرف نشود. اما نکته امیدبخش ماجرا بی شک حضور جوانان تازه نفس و بازگشت عده‌ای از با تاجر به‌ها به صحنه‌ها است. رویدادی که فضایی تازه را بشمارت می‌دهد و مقدمه گشودگی به‌ناشناخته‌ها است. این هفته و بنابر تجربه این چندماه، به دواجرا

برده نقره‌ای

تحلیلی بر «روز ششم» به بهانه اکران آنلاین

فیلمی غیر تکراری در یک سینمای تکراری



احمد تقی زاده

حجت قاسم زاده اصل را ببینندگان تلویزیونی بهتر می‌شناسند چرا که خاستگاه اصلی او به نوعی تلویزیون بوده و عده‌آثار او در قالب سریال و تله‌فیلم از این سبتر بخش شده است از این رو اطلاق فیلم اولی به این چهره با سابقه، عنوانی است نادرست که با وجود تولید اولین فیلم سینمایی او در جایگاه کارگردان، اما از پس سال‌ها تجربه کاری در حوزه نمایش برآمده است. ویژگی دوم قاسم زاده اصل، نویسنده بودن او است چرا که عمده اهالی سینما و رسانه او را به جهت نگارش آثار متعدد نمایشی در قالب سریال و تله‌فیلم به یاد می‌آورند. سریال «یادآوری» شاخص‌ترین اثر تلویزیونی قاسم زاده اصل است که در زمان خود مخاطبان پرو باقری سی پیدا کرد و بازپخش آن از آی‌فیلم نیز چندباره و پر مخاطب شد.

این دو ویژگی مهم قاسم زاده اصل یعنی خاستگاه تلویزیونی و نویسنده بودن او در تحلیل فیلم سینمایی «روز ششم» بسیار به کار می‌آید چرا که فیلم سینمایی «روز ششم» با وجود قابلیت‌های متعدد، به شدت تلویزیونی است و در قاب‌بندی‌ها و طراحی میزانشن این مهم به خوبی قابل درک و دریافت است. در وهله دوم نویسنده بودن قاسم زاده اصل مورد توجه است چرا که فیلم «روز ششم» به‌شدت فیلم‌نامه‌است و سبتر تری‌های خود را از این بابت کسب می‌کند. «روز ششم» محصول سال ۱۴۰۰ که به تازگی اکران آنلاین شده، از متفاوت‌ترین فیلم‌های این

دفتر فیلمسازی با افراد مختلف برقرار می‌کند چندان که باید قوام نیافته و دراماتیک نمی‌شود. به لحاظ اجرایی بازیگرانی چون ریحانه سلامت، محمدهادی عطایی، رها حاجی زینل و... در خدمت اجرا هستند. ترکیب این بازیگران حرفه‌ای، اجرای هاله را تا حدودی به تئاتر بدنه نزدیک کرده است. در صحنه‌هایی که حضور این بازیگران را شاهد هستیم، وجه واقع‌گرایانه اجرا نمود بیشتری یافته و ذهنی باوری کنار گذاشته می‌شود. اما گاهی به نظر می‌آید جنس بازی رها حاجی زینل، اغراق بیش از اندازه‌ای به خود گرفته و حضور دیگران را تحت شعاع خود در می‌آورد. البته باید این نکته را اضافه کرد تماشاگران از جنس بازی رها حاجی زینل استقبال کرده و با او همراه می‌شوند. همچنان که نقش آفرینی هادی عطایی با آن طنز همیشگی، برای مخاطبان جذاب شده است.

در نهایت می‌توان گفت نمایشی چون هاله توانسته تا حدودی یک آسیب اجتماعی را بیان کرده و به مسئله بدل کند. اما فرمی که انتخاب شده در بعضی اوقات آن چنان که باید نتوانسته این مسئله‌مندی را به سرحدات خویش برساند و رستگاری شخصیت هاله را ممکن و او را در اذهان جاودانه کند.

نمایش دوم - خیابانخانه

ریحانه یزدان یار در مقام نویسنده، در متنی که «خیابانخانه» نام دارد، یک فضای گروتسک خلق کرده تا به مشکل سکونت در شهرهای بزرگ بپردازد. ماجرا در رابطه با پنج نفر است که یک آپارتمان کوچک فرسوده را در شهری بزرگ به شکل اشتراکی کرایه کرده‌اند. اما در ادامه گرفتار تناقضات شده و امکان همزیستی را از دست داده‌اند. این پنج نفر که شامل دوزوج و یک مرد مجرد است، مدام برای تهیه پول پیش خانه پرداخت کرایه مشکل دارند. در این مسیر و برای عبور از بحران‌های فزاینده، این افراد به تمهیدات مختلفی چون فروش اعضای بدن مبادرت ورزیده و به عنوان نمونه، مجبور می‌شوند کلیه خود را اسودا کنند. اجرا با کارگردانی کمینه گرا یا به مسعود سالاری، با خوبی این نکته را عیان می‌کند که چگونه طبقه متوسط شهری در حال فقیر شدن و از دست دادن

منزلت و رفاه خویش است. مهاجرت پر هزینه به کلانشهرها و تحمل فلاکت و زندگی در مکان‌های تنگ و نامناسب، وضعیت این روزهای جمع‌کثیری از شهروندان است که با این روند فرسایش منابع طبیعی و فقر اجتماعی، در آینده شدت بیشتری خواهد یافت.

نمایش خیابانخانه بی‌آنکه فقر را به امری تماشایی فرو کاهد و آن را به نمایش گذارد، نگاهی بازی‌گوشانه دارد و فلاکت و وضعیت را شوخ‌طبعانه روایت می‌کند. به دیگر سخن اجرا از فضاهای ناتوازیستی فاصله گرفته و لحنی آبرونیک به خود می‌گیرد تا مقهور ز بیابناسی مسلط این سال‌ها در بازنمایی ناتوازیستی فقر نشود.

طراحی صحنه این نمایش که در سالن شماره ۴ بوتیک تئاتر ایران به اجرا درآمده، متشکل از تعداد زیادی موزاییک سفید رنگ که محوطه‌ای مربع شکل یک اتاق را پر کرده است. سقف خانه مدام چکه می‌کند و این موزاییک‌ها بنابر ضرورت جایجا می‌شود تا حس بی‌ثباتی منتقل شده و شخصیت‌ها در فقدان اشیاء نسبی تاز به امکان برقرار کنند.

بازیگرانی چون صادق ملکی، ریحانه یزدان یار، پندرام عزیزی، مرتضی مرادی و مبینا روزبهانی، ایفاگر نقش‌های مختلف این نمایش هستند. اغلب بازی‌ها اندازه‌است و توانسته فضای معبایخته و گروتسک نمایش را اجرا پذیرد کند.

نمایش خیابانخانه با آن که گاهی در دام نمادگرایی می‌افتد اما برای این کارگردان جوان، حرکت رو به جلویی است. یک گروه همدل و بی‌حاشیه که مدت‌ها تمرین کرده و نتیجه زحمات خود را به صحنه می‌آورند. خیابانخانه به لحاظ شخصیت‌پردازی موفق عمل می‌کند و موقعیت دراماتیک پر از تناقضی را مفروض می‌گیرد. نتیجه کار اجرایی است قابل احترام که با نیم‌نگاهی به تئاتر مستند، روایتگر اجتماع کوچکی از انسان‌های فراموش شده است. همان کسانی که برای باز تولید زندگی خویش، به‌ضرورت و اجبار تن داده و گاهی تکه‌های از بدن خویش را به مستردی عرضه می‌کنند. همان آدم‌هایی که سقوط روزه‌شان در آمارهای رسمی چندان شنیده نمی‌شود.



مصطفی زمانی بازیگر اصلی و قهرمان «روز ششم» است که انفعال و انحراف او در این نقش می‌توانست ضربه زیادی به فیلم بزند. این در حالی است که هوش ذاتی زمانی، چهره و صدای جذاب در کنار بازی باورپذیر او توانسته نقش مهمی در سمپاتی مخاطب با نقش باورپذیری کلی فیلم داشته باشد. زمانی شمایل قهرمان ز رنگ و خسته‌آدر فیلم‌های دیگری چون «کیفر» از حسن فتحی و «سریال» «کرگدن» کیارش اسدی‌زاده ایفا کرده بود و بیره نیست اگر او را بهتر بن انتخاب برای این گونه نقش‌ها در میان بازیگران بی‌شمار مرد ایران دانست.

مسیر روایی فیلم مسیر پر پیچ و خم، نفس‌گیر و ناهمواری است که باعث می‌شود ریتم فیلم، ضربه‌ها گنگ قابل قبولی برای تماشاگر داشته باشد و باعث ملال او نشود. ریتمی که علاوه بر تدوین از پس فیلم‌نامه‌ای کار شده، با جزئیات و دقیق آمده است که موه‌به موری اتفاقات و نقشه‌های آن کار شده و زمان‌بندی مناسبی روی رخدادها و وقوع رویدادها انجام شده است.

ارتباط احمد با پلیس آگاهی از شائبه برانگیزترین بخش‌های فیلم است که تاویل و تفسیرهای زیادی روی آن می‌توان انجام داد. به‌نظر می‌رسد یکی از این تفسیرها دور زدن کلیشه‌های رایج در داستان‌های پلیسی ایرانی و تصویر پلیس در فیلم‌ها است به نحوی که پلیس بد یا شکست خورده در سینمای ایران محلی از اعراب ندارد، از این رو رفاقت احمد با افسر پلیس، سبب شده تا حد زیادی زهر این نوع نگاه گرفته و جنبه رئالیستی اثر حفظ شود ضمن اینکه یکی از دلایلی که فیلم از جشنواره چند سال پیش کنار گذاشته شد شاید همین تصویر پلیس نه‌چندان مقتدر و کارزینماتیک بوده که شائبه‌هایی را در آن زمان به وجود آورده بود.

در مجموع، «روز ششم» ضمن تفاوت آشکار با پیدمی اجتماعی کم‌دی فیلم‌های این روزهای سینمای ایران، توانسته‌الگوی فیلم‌های پلیسی و ژانر نوار را در ایران متجدد کند، و اگر فیلم‌نامه کم‌گوتر و کارگردانی سینمایی تری داشت، اغراق نبود اگر عنوان بهترین فیلم پلیسی سینمای ایران به آن نسبت داده می‌شد.

در عین حال این دیالوگ‌ها فضاسازی احساسی خاصی را به مخاطب القامی کند؛ در نظر بگیرید پایان‌بندی فیلم در ماشین با حضور احمد و شفیع و تاثیر دیالوگ میان این دونفر در فینال فیلم و مشخص شدن سرنوشت قهرمان و همراهش.

«روز ششم» فیلمی قهرمان محور است که سعی می‌کند یک قهرمان بومی جذاب و باورپذیر تحویل تماشاگر دهد. قهرمانی که مخاطب با او همراهی می‌کند و دوست‌دار ببیند در پس این همه اتفاقات و سختی‌ها چه خواهد شد و چگونه احمد قرار است بر مشکلات فائق آید؟

در تسیم قهرمان باهوش و تصویر مرد تنهایی زخم‌خورده، مولفه یک‌از ژانرهای مهم سینمایی به‌نام نوار ارتداعی می‌کند که با وجود یک فم‌قاتل دست‌نیاقتی بازل این گونه سینمایی تکمیل می‌شود. قاسم زاده اصل سعی کرده تا حد زیادی مولفه‌های ژانر را در این فیلم رعایت و اجرا کند و حضور چنین شمایی از احمد و دختر صابر در این راستا صورت گرفته است. پیش از آنکه به بازی‌های پر از پیچ‌در انتخاب نقش‌هایی توان دقیق تر شد، گویی بازیگرانی که برای این نقش‌ها انتخاب شدند بهترین و مرتبط‌ترین کاراکترهایی بودند که بدون حضور آنها این فیلم و شخصیت‌هایش قابل ترسیم نبود؛ مصطفی زمانی در نقش یک مرد تنهایی باهوش که قدرت دور زدن و فریب دادن طیف زیادی از آدم‌ها از درد تا پلیس را دارد؛ مهرا ن احمدی در نقش سیامک که انگار انگ نقش‌های مافیایی و ضدقهرمان فیلم است و نخستین مواجهه احمد بعد از پلیس با اوصورت می‌گیرد؛ افشین هاشمی در نقش یک پلیس طماع و کم‌هوش که از طرفی می‌خواهد قانون مدار باشد و از سوی دیگر در دام نقشه‌های احمد دستگیری سه‌تبه‌کار با سابقه می‌افتد؛ مهدی حسین‌نیا در نقش شفیع و یکی از بهترین نقش‌مکمل‌های این سال‌های سینمای ایران که نقش مهمی در پیشبرد نقشه‌های احمد دارد؛ همایون ارشادی که به‌سبب خوب در نقش یک پیر مرد در صی، منحرف و فریبکار در آمده است و در نهایت به‌بار افشاری که بر خلاف بقیه انتخاب‌ها، بدترین انتخاب فیلم برای ایفای یک دختر شکست خورده و جذاب است که مشخص نیست با کدام معیار، برای این نقش گزینش شده است.



روز ششم THE SIXTH DAY